

سیاستگذاری در دهه‌های گذشته است.

بحران آب و برق در کشور، مسال‌های تاریخی است که ریشه‌ای ۷۰ ساله دارد. سرمایه‌گذاری در این حوزه نیازمند یک برنامه‌ریزی بلندمدت بوده و شرایط فعلی نیز از سال‌ها قبل پیش‌بینی می‌شده، اما اقدام خاصی برای توسعه نیروگاه‌ها انجام نگرفته است.

سدهای خالی از آب، نیروگاه‌های خاموش و قطع مکرر برق صنایع و مشترکان خانگی گویای همه چیز است. در نتیجه شهروندان بسیاری از شهرها در طول روز خاموشی بیش از دو ساعت و قطعی آب بیشتر از چندین ساعت را تجربه می‌کنند.

❖ ضرورت سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت

در همین رابطه آرش آذرانفر کارشناس حوزه آب گفت: «سرمایه‌گذاری در برق و آب کشور نیازمند یک برنامه‌ریزی بلندمدت است. شرایط فعلی از سال‌ها قبل قابل پیشگیری بوده اما اقدام خاصی برای توسعه نیروگاه‌ها نشده است. خشکسالی مشکلات آب را بیشتر کرده است. بنابراین بحث آب باید ریشه‌ای دیده شود. نمایندگان مجلس که به فکر استیضاح هستند باید قانون سال ۸۹ بهره‌برداری از چاه‌های غیرمجاز را مرور کنند که موجب فشار مضاعفی بر منابع آبی شده است.»

وی بیان کرد: «راه‌حل اصلاح برخی قوانین و سیاستگذاری‌ها است و باید برنامه کارآمدی برای سرمایه‌گذاری تدوین شود. در سال‌های اخیر زیرساخت‌های برق و آب در کشور توسعه پیدا نکرده است. دلیل آن است که توسعه در این بخش را منوط به سرمایه‌بخش خصوصی کردند و این بخش هم به دلایل مختلف ورود و مشارکت نمی‌کند. برای طرح‌های بزرگ هم بودجه دولتی وجود ندارد.»

به گفته آذرانفر، امیدواری برخی که تصور می‌کردند با آغاز به کار این دولت یا دولت‌های دیگر موضوع ناترازی حل می‌شود اشتباه بوده است.

او تأکید کرد: «به جای تحلیل وضع موجود باید در مورد سیاستگذاری‌های بلندمدت از دولت سؤال شود.»

این کارشناس حوزه آب بیان کرد: «باید سیاستگذاری عمومی و بودجه مناسب لحاظ شود تا مساله ناترازی برق و آب کشور حل شود. به جز سرمایه‌گذاری، موضوعاتی چون اقلیم و مسائل اجتماعی از جمله مصرف بیش از حد آب در بخش کشاورزی باید از ریشه حل شود. همچنین در بخش برق کشور می‌شود با توسعه تجدیدپذیرها و نیروگاه‌های برق آبی یا خورشیدی موضوع را اندکی سامان‌دهی کرد.»

❖ ۲۵ سال اخیر کاری برای رفع ناترازی برق صورت نگرفته است

حسین آقامحمدی، کارشناس حوزه انرژی نیز اظهار کرد: «بحران آب و برق در کشور، مسال‌های تاریخی است که ریشه‌ای ۷۰ ساله دارد. از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۸۳، روندی نسبتاً



اجرای برنامه برای

رفع هدر رفت و

اصلاح شبکه‌ها

بسیار زمان‌بر و

هزینه‌زا است. در

واقع زیرساخت

نامناسبی را هم

در شبکه‌های

برق خود داریم.

بنابراین مجموعه‌ای

از مسائل و

پیچیدگی‌ها را در

حوزه برق و آب

و انرژی داریم.

راه‌حل این است

که مجموعه دولت

به کمک وزارت نیرو

برود و برنامه مدون

را برای رفع ناترازی

تدارک ببیند

که سه اقدام کلیدی را در دستور کار قرار دهد: نخست، جلب توجه عمومی به عمق بحران؛ دوم، شفاف‌سازی وضعیت ناترازی‌ها برای مردم؛ و سوم، آغاز اصلاح قیمت‌ها با همراهی سیاستگذاران.» در واقع سه پیشنهاد فوق دارای مبنای سیاستگذاری مشخصی است.

خاموشی هدفمند به عنوان یک شوک کوتاه‌مدت می‌تواند توجه عمومی را جلب کند، اما بدون اصلاح ساختاری و بازنگری در شیوه‌های مصرف و توزیع، نمی‌تواند نتیجه‌ای پایدار داشته باشد. شفاف‌سازی با مردم نیز، امری ضروری است. بسیاری از بحران‌های مزمن، از جمله بحران انرژی، در نبود اطلاع‌رسانی صادقانه، اعتماد عمومی را کاهش داده است. او در ادامه با اشاره به روند رو به وخامت تنش‌های آبی در کشور گفت: «در سال‌های گذشته، ۳۰ شهر با تنش آبی مواجه بودند، در سال گذشته این عدد به ۱۰۰ شهر رسید و امسال به ۱۶۰ شهر افزایش یافته است. این افزایش تصاعدی نشان‌دهنده آن است که هیچ اقدام مؤثری نه در حوزه سخت‌افزاری (زیرساخت‌ها) و نه در حوزه نرم‌افزاری (مدیریت و فرهنگ‌سازی) انجام نگرفته است. ما صرفاً با اقدام‌ها موقت و مژکن‌گونه به استقبال یک بیماری مزمن رفته‌ایم؛ نمونه‌ی آن خشک‌شدن دریاچه ارومیه و ده‌ها رودخانه حیاتی کشور است.»

افزایش شهرهای دارای تنش آبی، زنگ خطری جدی برای کشور است. روندی که از سال‌ها پیش آغاز شده بود، اکنون به بحران ملی تبدیل شده است. بی‌توجهی به مدیریت منابع آب، توسعه نامتوازن کشاورزی، و ضعف در برنامه‌ریزی شهری، از جمله عوامل تشدیدکننده این وضعیت هستند. این کارشناس ارشد حوزه

انرژی همچنین به موضوع مصرف بالای انرژی در ایران پرداخت و تصریح کرد: «در سطح جهانی، میانگین مصرف برق بین ۷۰ تا ۱۲۰ کیلووات در ماه برای هر خانوار است، اما این رقم در ایران به بیش از ۳۵۰ کیلووات می‌رسد. همچنین میزان هدررفت برق در شبکه‌های جهانی حدود ۱۷ درصد است، در حالی که در ایران این رقم به حدود ۳۰ درصد می‌رسد. این تفاوت ناشی از نبود بهینه‌سازی، فرسودگی زیرساخت‌ها و حتی برخی موانع اجتماعی است. در بسیاری از موارد، اصلاح شبکه به معنای تخریب ساختمان‌های قدیمی است که مقاومت اجتماعی در برابر آن وجود دارد.»

آمارهای کارشناسان نشان می‌دهد مصرف بالا و اتلاف گسترده در کشور نه تنها به دلیل یارانه‌های غیرهدفمند است، بلکه ناشی از ناآگاهی عمومی، الگوی نادرست مصرف، و نبود مشوق‌های اصلاحی نیز است. آقامحمدی در پایان تأکید کرد: «اجرای برنامه برای رفع هدر رفت و اصلاح شبکه‌ها بسیار زمان‌بر و هزینه‌زا است. در واقع زیرساخت نامناسبی را هم در شبکه‌های برق خود داریم. بنابراین مجموعه‌ای از مسائل و پیچیدگی‌ها را در حوزه برق و آب و انرژی داریم. راه‌حل این است که مجموعه دولت به کمک وزارت نیرو برود و برنامه مدون را برای رفع ناترازی تدارک ببیند.»

مطلوب در بهبود وضعیت وجود داشت، اما پس از اجرای مجلس هفتم و تصمیم بحث‌برانگیز تثبیت قیمت‌ها، شرایط به تدریج وارد مرحله‌ای بحرانی شد. در ۲۵ سال اخیر، تقریباً هیچ اقدام اساسی برای حل این مشکل انجام نشده است. اکنون اوضاع به قدری بغرنج شده که حل آن از توان یک شخص یا نهاد خارج است، مگر اینکه تمامی ارکان حاکمیت به صورت هماهنگ برای برطرف‌سازی این بحران ریشه‌دار در حوزه آب، برق و دیگر حامل‌های انرژی بسیج شوند.»

اشاره آقامحمدی به دوره‌ی تثبیت قیمت‌ها، به خصوص در دولت نهم و تصمیمات مجلس هفتم، ناظر به یکی از مهمترین اشتباهات سیاستگذاری اقتصادی در ایران است.

تثبیت قیمت انرژی اگرچه در کوتاه‌مدت ممکن است رضایت عمومی ایجاد کند، اما در بلندمدت منجر به ناترازی، افزایش مصرف بی‌رویه و افت شدید سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها می‌شود. وی ادامه داد: «در چنین شرایطی، تنها فردی می‌تواند بحران ناترازی‌ها را مهار کند که هم دارای برنامه‌ریزی بلندمدت باشد و هم از پشتوانه عزم ملی برخوردار باشد. اما وزیر نیرو کنونی نتوانسته و واقع‌بینانه نمی‌تواند، اقدامی مؤثر انجام دهد.» آقامحمدی در ادامه افزود: «توصیه من به وزیر نیرو این بود